



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

جنبش‌ها و فرقه‌های دینی در عصر پهلوی

محمود قوچانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنبش‌ها و فرقه‌های دینی در عصر پهلوی

نویسنده:

محمود قوچانی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جنبش‌ها و فرقه‌های دینی در عصر پهلوی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	پیشینه بهائیت
۸	زمینه‌های شکل‌گیری انجمن
۹	انگیزه‌های تأسیس انجمن
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جنبش‌ها و فرقه‌های دینی در عصر پهلوی

مشخصات کتاب

مؤلف: محمود قوچانی

مقدمه

با روی کار آمدن سلسله پهلوی، شرایط جدید بر فضای فکری، سیاسی و اعتقادی جامعه ایرانی حاکم شد. رضا خان با هر نیت و قصدی، در صدد ایجاد تحول در ساختار اجتماعی ایران بود و به همین سبب، نخواستی و نوگرایی را در همه شئون، شعار خود قرار داده بود. از نظر وی، سنت و مذهب، مهم‌ترین مانع برای پیشبرد اهداف او به شمار می‌رفت. از این رو، وی با اندیشیدن تمهیداتی، در صدد ایجاد محدودیت‌هایی برای بخش روحانیت برآمد. همزمان با این اقدام، توجه بیش از حد به علوم و فنون و مظاهر غربی در جامعه ایرانی، زمینه را برای ورود افکار غیر دینی و ضد مذهبی فراهم آورد. بسیاری از تحصیل‌کردگان غربی در آن برهه، در شمار گروه‌های مرجع در آمدند و کم‌کم نسل جدید، روابط محکم‌تری را با این گروه‌ها برقرار کرد. از طرف دیگر، روحانیت با احساس خطر در این زمینه، به تکاپوی جدیدی دست زد تا شرایط موجود را در مقابل حوادث و وقایع احتمالی حفظ کند. [۱]. به طور کلی جامعه روحانیت و اقلیت مذهبی ایران در دوره جدید با سه جریان عمده فکری مواجه بود که به نوعی آنان را به رویارویی و چالش فرا می‌خواند. جریان اول همان فارغ‌التحصیلان غرب بودند که مدتی را در دیار فرنگ به کسب علم و دانش گذرانده و پس از مراجعت به وطن، در رأس امور علمی، فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته بودند. آن‌ها در شرایط جدید به واسطه اتکا به حمایت همه‌جانبه دولت و نظام شاهنشاهی، در انتظار فرصتی برای جانشینی و جایگزینی روحانیت و علمای حوزه‌های دینی تحت عنوان گروه‌های مرجع جدید بودند. به ویژه این که با افتتاح دانشگاه‌های متعدد، در شهرهای مختلف کشور و ورود دانشجویان به این مراکز علمی، رابطه نسبتاً خوبی بین نسل جوان و این گروه‌های مرجع جدید برقرار می‌شد. حاصل این توافق و تفاهم، ظهور و پدیده روشن فکری بود که ریشه در دوره قاجاریه داشت، اما در دوره پهلوی به شدت مورد تأکید و تشویق قرار می‌گرفت. علاوه بر مراکز علمی و فرهنگی، بسیاری از مناصب اجرایی و اداری نیز در تصدی این نسل جدید بود. بنابراین زمینه لازم برای بیرون راندن و به حاشیه کشاندن جریان مذهبی و نمایندگان آن یعنی «روحانیت» فراهم بود. حتی در قوه مقننه و قضاییه نیز به جهت قانون‌گذاری و نظارت بر آن، و با توجه به جو حاکم مذهبی بر جامعه ایران و از حیث ماهیتی، روحانیان و مجتهدان جامع‌الشرایط تأثیرگذار بوده و مسؤولیت‌هایی را در این عرصه احراز کرده بودند. تعداد عالمان در شرایط موجود رو به کاشه نهاد و فارغ‌التحصیلان علوم و فنون جدید جانشین آن‌ها شدند. شاید تصور می‌شد مهم‌ترین چالش قشر روحانیت، آشتی‌ناپذیری سنت و تجدد بود. روشن‌فکران به طور اساسی عامل انحطاط و عقب‌ماندگی ایران را سنت زدگی و دخالت بیش از حد امر مذهب در شئون اجتماعی جامعه، می‌دانستند. بنابراین هیچ‌گونه تعامل مشترکی را با روحانیت برای پیشبرد امور نمی‌پذیرفتند. از دیگر سو در بین برخی لایه‌های مذهبی نیز ورود فرهنگ و تمدن غربی، برابر با نادیده‌انگاشتن دین تلقی می‌شد و به هیچ‌رو، پیوندی بین آن دو برقرار نبود. جریان دیگری که متدینان از گسترش آن احساس خطر می‌کردند، نفوذ ایده‌های کمونیستی در ایران بود. با توجه به گذشته تاریخی و سلطه نظام استبدادی، اشاعه شعارهای عدالت‌خواهی و تکیه بر آزادی عموم مردم پرجاذبه بود. به همین خاطر، همزمان با نشر این افکار، بسیار از جوانان جزو باورمندان این اعتقاد شدند. البته میزان گرایش جوانان و قشر تحصیل‌کرده به این اعتقاد به تناسب دارای شدت و ضعف بود. بعضی تنها دلبسته شعار برابری و عدالت تفکر سوسیالیستی بودند و به همین خاطر برای اشاعه آن تلاش می‌کردند. برخی دیگر نیز جزو معتقدان به فلسفه کمونیسم و مارکسیسم شدند و در مسیر ضدیت با دین گام

برداشتند. نقطه مقابل جامعه دینی آن زمان، «حزب توده» قرار داشت که با بهره‌گیری از ایده‌های کمونیستی و شعار حاکمیت مردم توانسته بود، گروه زیادی را نسبت به این اعتقاد متمایل سازد. نفوذ حزب توده به خصوص در بین بخشی از طبقه روشن فکر و همچنین عناصر نظامی ارتش ایران، دغدغه‌هایی را در پی داشت. مخالفان اصلی این طرز فکر از یک سو نهاد سلطنت بود که مظاهر قدرت و اقتدار آن مبتنی بر سلطه یک فرد بر جامعه و احراز قدرت مطلقه بود. از سوی دیگر روحانیان و بخش مذهبی جامعه نیز، اشاعه فرهنگ کمونیستی را برای حیات دینی، خطر آفرین تشخیص داده بودند. جریان فکری سومی که در سایه مساعدت‌های رژیم گذشته بالنده شد و بر بسیاری از ارکان سیاسی و اقتصادی کشور سایه افکند، بهائیت بود. معتقدان به این مسلک به ویژه از دهه ۲۰ به بعد، با گسترش فعالیت، دارای مناصب مهمی در دولت شدند و بر همین اساس، بیش از نیمی از وزرای کابینه هویدا را بهائیان تشکیل می‌دادند. به موازات توفیق آنان در تصدی امور اجرایی و اداری، تبلیغات فرهنگی و اعتقادی آنان نیز افزایش یافت و بسیاری از آن‌ها به نقاط محروم کشور مبلغ می‌فرستادند. همچنین فعالیت گسترده‌ای را برای ترغیب دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان برای گرویدن به این نحله سیاسی و فکری آغاز کردند. قدم اول آنان برای ترغیب دیگران به بهائیت، ایجاد شبهه و زیر سؤال بردن بسیاری از احکام و اعتقادات اسلامی بود. این مسأله نگرانی‌های فراوانی را در جامعه دینی به بار آورد و بسیاری از علمای شیعی با نوشتن جواب‌ها و بیانیه‌ها و کتاب‌ها، در صدد برآمدند تا ضمن تبلیغ شایسته دین اسلام، دلایل ابطال فرقه بهائیت و سست بودن اعتقاد آن را به اثبات رسانند و در این راه نیز گام‌های بزرگی برداشته شد. جنبش‌های دینی و مذهبی دوره پهلوی دوم در چنین فضایی متولد شد و رشد و نمو کرد. بنابراین بحث انجمن حجّیه مهدویه را می‌بایست با همین رویکرد، مورد توجه و بررسی قرار داد. [۲].

پیشینه بهائیت

پس از فعالیت‌های محروم علامه مجلسی و مبارزه‌های سیاسی علمای دیگر در دهه‌های اخیر، استعمار بارها برای تسخیر و تسلط بر ایران اقدام کرد و با قیام روحانیت شکست سختی خورد، «از جمله فتوای دفاع در برابر حمله روس‌ها توسط مرحوم کاشف الغطاء و ملا احمد نراقی در جنگ جهانی اول، و همچنین فرمان جهاد در برابر حمله متجاوزان از سوی سید محمد مجاهد اصفهانی و ملا محمد استرآبادی، و همچنین فتوای تحریم تنباکو علیه انگلیس توسط میرزای شیرازی و دیگر مقابله‌های روحانیت...» استعمار، میزان قدرت و نفوذ مردمی روحانیت را کشف کرد و یکی از منقذهای ورود خود به جامعه مسلمانان را نفوذ در این دژ مستحکم یافت؛ لذا با به راه انداختن جریان‌های به اصطلاح مذهبی یا تقویت و توسعه آنها نظیر بهائیت، قصد ایجاد شکاف و نفاق در بین روحانیت و امت مسلمان داشت و با فرقه فرقه کردن شیعیان و بی‌ارزش نمودن عقیده مهدویت و رخنه در صفوف روحانیت و... به دنبال اخلال بود. [۳]. تاریخ پیدایش بهائیت به ۱۲۵ سال پیش باز می‌گردد که ابتدا با علم کردن سید علی محمد باب و ادعای بابیت امام عصر آغاز و سپس با دعای مهدویت ادامه یافت و از ناحیه استعمار روسیه تزاری و انگلیس حمایت و در سایه حکومت‌های جور پادشاهی آزادانه به برقراری مراکز و محافل تبلیغاتی و فعالیت علنی با پرچم مخصوص خود می‌پرداخت. بهائیت در واقع شاخه‌ای از استعمار فرهنگی - فکری بود که به قصد ایجاد انحراف و جلوگیری از احیای فکر دینی در جوامع اسلامی به وجود آمد. [۴] و پس از تغییر حکومت تزار یکسره به خدمت انگلیس در آمد و با کسب مقام جهان خواری آمریکا نیز در آغوش این استعمار نو به خوش خدمتی و نوکری پرداخت و راه صهیونیسم را در کشورهای اسلامی پیمود و آن را تبلیغ کرد. در کودتای ۲۸ مرداد که پایه‌های رژیم متزلزل بود و می‌کوشید تا مسایل فرعی و جنبی را در جامعه مطرح کند و مردم را سرگرم نماید تا از تثبیت رژیم دیکتاتوری و غاصب‌غال شوند و آن‌ها در سایه غفلت، سرگرمی و اختلاف در بین مردم امور خود را پیش برند لذا ناچار بودند تا به وسیله یک جریان انحرافی مثل بهائیت را مطرح کرده و رشد دهند. هر چند این فرقه ضاله اجنبی به مزبله تاریخ

سرازیر شد، ولی پیدایش آن بی‌حاصل نبود و در راه خود موفق شد که عده‌ای را به مسایل فرعی و جنبی منحرف کرده و مشغول سازد. این عده گروهی به نام انجمن ضد بهائیت بودند و بزرگ‌ترین خدمت انجمن این بود که رژیم را به مقصود خودش، یعنی «ثبات حکومت» برساند. [۵].

زمینه‌های شکل‌گیری انجمن

پس از دهه ۲۰، همزمان با رونق گرفتن فعالیت فرقه بهائیت و نفوذ روزافزون معتقدان آن در عرصه حاکمیت، بسیاری از روحانیان و اқشار مذهبی در صدد مبارزه و مقابله برآمدند. استفاده از وعظ و منبر و ایراد خطابه از سوی روحانیان، شیوه معمول آنان برای ایجاد ارتباط با مردم بود و از آنی طریق آنها می‌توانستند، ترفندهای عناصر بهایی را خنثی سازند. نقش عمده برگزاری چنین جلساتی به عهده هیأت‌های مذهبی بود. این هیأت‌ها در مشهد بسیار فعلاً بودند. از آنجا که ضرورت نظم و سامان چنین حرکتی محسوس بود، برای نشر فرهنگ اسلامی و مبارزه با مظاهر غیردینی و مقابله با افکار انحرافی، برخی از مراکز علمی و فرهنگی شکل گرفت. از مهم‌ترین جمعیت‌ها و انجمن‌هایی که در مشهد پا به عرصه ظهور گذاشت، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بود. این تشکل، مرکب از ۶ جمعیت و انجمن به نام‌های کانون نشر حقایق اسلامی، انجمن پیرامون قرآن، انجمن تبلیغات اسلامی، جمعیت طلاب علوم دینی، جمعیت مبارزین اسلام و هیأت‌های ابوالفضل بود. [۶]. رهبر هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، شیخ علی‌اکبر نوقانی بود که در مسجد گوهرشاد منبر می‌رفت و در مورد فعالیت بهائیت به مؤمنان هشدار می‌داد. محمدتقی شریعتی، از بنیان‌گذاران کانون نشر حقایق بود که فعالیت‌های بسیاری را در زمینه علوم و معارف اسلامی و تفسیر قرآن داشت. انجمن پیروان قرآن نیز به وسیله شیخ علی‌اصغر عابدزاده تأسیس شده بود. وی مؤسس مهدیه مشهد نیز بود و برخی بر این باورند که تأسیس مهدیه در تهران و دیگر شهرستان‌های کشور نیز، ملهم از اقدام مرحوم عابدزاده بود. [۷]. انجمن تبلیغات اسلامی در فروردین ماه ۱۳۲۱ به وسیله عطاءالله شهاب‌پور، مدیر و صاحب امتیاز مجله «نور دانش»، حشمت‌الله دولتشاهی و علی اشرف در تهران تشکیل شد و با گسترش فعالیت خود، در مشهد نیز دارای شعبه شد. [۸]. نماینده جمعیت طلاب علوم دینی، آقای مصباحی بود و شاخه‌ای از فداییان اسلام در مشهد نیز جمعیت مبارزین اسلام را تشکیل می‌دادند. هیأت ابوالفضل سراب که نماینده هیأت‌های مذهبی در مشهد بود تحت نظر آقای نجاریان فعالیت می‌کرد. شیخ محمود حلبی نیز در هیأت‌های مؤتلفه اسلامی عضویت داشت. وی در آغاز روحانی هیأت مسلم بن عقیل بود و هر سال در روزهای قبل و بعد از نیمه شعبان، در خیابان گوهرشاد - صاحب‌الزمان فعلی - که محل سکونت عده‌ای از بهائیان بود، مراسم با شکوهی را برگزار می‌کرد. بسیاری از هیأت‌های مذهبی در آن زمان، تحت نظر آقای میرزا احمد کفایی قرار داشت که با دربار پهلوی رابطه خوبی برقرار کرده بود. این مسأله باعث شد که در ذهن بسیاری از فعالان سیاسی، مذهبی، نظیر شیخ محمود حلبی، محمدتقی شریعتی و شیخ علی‌اصغر عابدزاده و... این رابطه، نامطلوب جلوه کند، به خصوص این که بسیاری از این جلسه‌های مذهبی، فاقد روحیه سیاسی بودند و بیش‌تر به امور دینی صرف می‌پرداختند. اما در نتیجه مساعدت‌های نامبردگان، نیمی از این هیأت‌ها در مسیر فعالیت سیاسی قرار گرفتند. [۹]. پس از شهریور ۱۳۲۰، کار عمده آقای حلبی در مشهد مبارزه با بهائیت و پرداختن به امور تبلیغی در قالب منبر بود و در این زمینه مهارت و شهرت خاصی پیدا کرد. حلبی در برخورد با بهائیان، متأثر از مرحوم آیت‌الله شیخ احمد شاهرودی بود که ردیه‌ای بر مرام و مسلک با بیان نوشته بود. هیأت‌های مؤتلفه اسلامی به موازات گسترش نفوذ بهائیان، بر آن شدند دو نفر را مأمور تحقیق و پژوهش پیرامون بهائیان کنند تا از این طریق ضمن آگاهی بر نحوه عملکرد این فرقه، تمهیدات لازم را برای تربیت کادری زبده از جوانان، برای مقابله فکری با بهائیان فراهم آوردند. به همین خاطر، شیخ محمود حلبی و سید عباس علوی، مأمور این کار شدند. اما سید عباس علوی پس از مدتی همنشینی با اعضا فرقه مذکور، به تدریج دین و ایمان خود را از دست داده و در شمار معتقدان و مدتی بعد در زمره مبلغان بهایی در آمد. این مسأله باعث شد که

مذهبیون، خطر گسترش فرقه مذکور را جدی تلقی کنند و به همین خاطر، شیخ محمود حلبی و سید عباس علوی، مأمور این کار شدند. اما سید عباس علوی پس از مدتی همنشینی با اعضای فرقه مذکور، به تدریج دین و ایمان خود را از دست داده و در شمار معتقدان و مدتی بعد در زمره مبلغان بهایی در آمد. این مسأله باعث شد که مذهبیون، خطر گسترش فرقه مذکور را جدی تلقی کنند و به همین خاطر به اقدامات عمیق تری در این خصوص دست زنند. [۱۰]. شیخ محمود حلبی از روحانیان سیاسی ای بود که در جریان جنبش ملی نفت، سخنرانی‌های بسیار آتشین در تهییج مردم و در حمایت از آیت‌الله کاشانی ایراد می‌کرد اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد سیاست را رها کرد. [۱۱] در مورد او می‌گفتند که در همان دوره پرچمی در دست و لباسی آماده رزم بر تن داشت و بر ایوانی در مشهد ایستاده بود و مردم را به مبارزه علیه انگلیسی‌ها فرا می‌خواند و خود نیز حرکت می‌کرد تا دیگران در پی او بیایند. [۱۲] اما این همه شور و هیجان به واسطه بروز اختلاف بین رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت به یکباره فروکش کرد. برخی نیروهای مذهبی از ادامه فعالیت‌های سیاسی نا امید شدند و به تدریج زمینه مناسبی برای بروز ایده‌های غیرسیاسی و پرداختن به مسایل صرفاً مذهبی و دینی در بین بعضی از فعالان پدیدار شد. آنان به این اعتقاد رسیدند که می‌بایست، عرصه سیاست را به سیاستمداران بخشید و هر چه سریع تر خود را از این مرحله نجات داد و تنها بایستی به امور دینی پرداخت و دل را به آداب و رسوم و مناسک و مراسم مذهبی خشنود ساخت تا شرایط برای ظهور امام زمان (عج) فراهم شود. این تفکر به تدریج طرفدارانی برای خود پیدا کرد و بسیاری از عناصر فعال پیشین با پیروی از این بینش در ترویج تفکر جدایی دین از سیاست کوشیدند. نمونه بارز این عناصر ریمن نخعی بود. وی در خانواده‌ای بهایی به دنیا آمد و در ضد اطلاعات ارتش خدمت می‌کرد و سابقه فعالیت در حزب ایران و همکاری با افرادی نظیر شاپور بختیار، الله یار صالح، ابوالفضل قاسمی را داشت. او پس از حوادث ملی شدن صنعت نفت، از عرصه سیاست کناره‌گیری و به سمت روحانیان و نیروهای مذهبی گرایش پیدا کرد و با ایجاد «کانون تشیع» به شدت بر ایده جدایی دین از سیاست و پیروی از خط ولایت و امامت شیعه تأکید ورزید. [۱۳]. این نوع نگرش، در فعالیت‌های انجمن تبلیغات اسلامی نیز دیده می‌شد. اعضای این تشکل بر جنبه‌های غیرسیاسی عملکرد خود تأکید می‌ورزیدند. [۱۴]. در چنین فضایی، شیخ محمود حلبی نیز خود را از عرصه سیاست کنار کشید. وی با این که در فهرست کاندیداهای مجلس هفدهم شورای ملی قرار داشت [۱۵] و خانه او محل رفت و آمد نیروهای منتسب به جبهه ملی بود، بعد از بروز اختلاف در بین سران نهضت، در آخرین روز اسفند ۱۳۳۰، زادگاه خود را ترک و به تهران مهاجرت کرد و در خیابان لرزاده و میدان حسن آباد، محفلی را تحت عنوان انجمن ضد بهائیت تشکیل داد که بعدها در سال ۱۳۳۶ نام «انجمن حجتیه مهدویه» را به خود گرفت. [۱۶].

انگیزه‌های تأسیس انجمن

هدف از تشکیل «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» که مقارن با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و توسط آقای شیخ محمود ذاکرزاده تولایی (حلبی) تأسیس شد، مبارزه با بهائیت بود. آقای حلبی با مشاهده انحراف سیدعباس علوی، مسأله بهائیت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد و با برقراری تماس با افراد فریب خورده از بهائیت، راه یابی به جلسات تبلیغی آنها، مناظره و مباحثه با آنان و مطالعه‌هایی که کرده بود به تدریج در بحث‌ها تبحر پیدا کرد. آقای محمدتقی شریعتی و آقای امیرپور نیز از همکاران ایشان بودند. [۱۷]. آقای حلبی پس از مهاجرت به تهران، شروع به جذب نیرو می‌کند و اطلاعات و تجربه‌های بحثی خود را منتقل می‌نماید. از آن جا که بهائیت مانند مساجد ما علنی و با پرچم فعالیت می‌کرد و خطر آن نزد علما منعکس شده بود، آقای حلبی و دوستانش پس از یک سری موفقیت‌ها، مورد حمایت علما قرار گرفتند و علما اجازه استفاده از سهم امام را نیز به آن‌ها دادند. [۱۸]. طاهر احمدزاده [۱۹] از نزدیک‌ترین دوستان شیخ محمود حلبی، اعتقادهای او را در مبارزه با بهائیت چنین بیان می‌کند: تمام صحبت شیخ حلبی این بود که تکلیف امروز ما منجر به این است که با بهایی‌ها مبارزه کنیم. او با سوگندهایی که مخصوص خودش بود،

مثلاً «والله العلی الاعظم الاعلی» بر این نکته تأکید می‌کرد که امروز امام زمان (عج) جز این خدمت را از کسی نمی‌پذیرد و چیزی جز این انتظار ندارد. روزی بعد از پایان صحبت ایشان من در کنار او نشستم و سکوت کردم. ایشان به من گفت: آقای احمد زاده من معنای سکوت شما را می‌فهمم و می‌دانم که شما با این حرف من مخالفید، ولی من به شما علاقه دارم و از باب خیرخواهی می‌گویم که به خدا قسم، امروز تکلیف شرعی و دینی ما آن است که با بهائیت مبارزه کنیم. می‌خواهم عرض بکنم که تشخیص من این بود که دیدگاه‌های مرحوم حلبی یک نوع اعتقاد بود و نه این که بازی سیاسی باشد. [۲۰]. نظر دسته‌ای دیگر که از اعضای انجمن هستند، این است که آقای حلبی در سال‌های ۳۲ خواجه دیده است که امام زمان (عج) به وی امر فرموده‌اند که گروهی را برای مبارزه با بهائیت تشکیل دهد. [۲۱]. نظر دیگر حاکی از آن است که با بروز اختلاف بین آیت‌الله کاشانی و مصدق و شکست نهضت ملی نفت، تبلیغات بهائیت رشد یافت و گروهی را که در بین آن‌ها طلبه‌ها نیز حضور داشتند از جمله هم حجره‌ای آقای حلبی - سید عباس علوی - را جذب کردند. لذا بهائیت در ذهن شیخ محمود حلبی بزرگ جلوه گر شد و به این نتیجه رسید که باید سیاست را رها کرد و دست به انجام اقدام‌های فرهنگی زد. به علت شکست نهضت، جو یأس آلودی بر جامعه حاکم شد و عده‌ای که به دنبال جریانی می‌گشتند تا با وصل شدن به آن، یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیکی و سیاسی کنند، به این جریان پیوستند. [۲۲]. گروهی دیگر بر این نظر هستند که بخشی از سیاست‌های استعمار، فرقه سازی بوده و برای مطرح کردن، بالا کشیدن و رشد دادن آن فرقه، یک ضد فرقه را نیز تشکیل دادند. مسأله انجمن بهائیت و انجمن ضد بهائیت نیز مشمول این سیاست می‌باشد. البته نظر اول، سوم و چهارم قبال جمع هستند و اگر نظر چهارم را هم بپذیریم، نمی‌توان آن را به عنوان یک اصل ثابت تعمیم داد و در مورد همه گروه‌ها و نیروهای مخالف و مقابل هم آن را صادق دانست. اما در خصوص این دو فرقه شاید بتوان با توجه به قراین موجود آن را قرین به صحت دانست؛ زیرا هر دو با کنار گذاشتن سیاست و اتکا به دستگاه حرام ضد اسلامی و وجوهات مشترک دیگری به مقابله با یکدیگر پرداختند. آقای عمادالدین باقی می‌گوید: آنچه مسجل است و با جزم و قاطعیت می‌توان گفت، این است که پیدایش و حرکت انجمن حجتیه در جهت انحراف جامعه و مسلمانان از مسیر اصلی مبارزه و رو کردن به مسایل فرعی و حرکت بر ضد نهضت اصیل اسلامی بود و این سابقه عملکرد است که بالتبع زمینه نظرات کذایی را پدید می‌آورد. [۲۳].

پاورقی

[۱] ۶۰ سال فراز و نشیب (روایتی تازه از انجمن حجتیه)، فتح غلامی، ۲۳ / ۲ / ۱۳۸۲، سایت بازتاب.

[۲] همان.

[۳] کنیاز دالگورکی، جاسوس مرموز استعمار روسیه تزاری که تحت لوای مترجمی سفارت به ایران اعزام شده بود. وی به زبان فارسی و عربی تسلط داشت و با تحصیل علوم دینی خود را مسلمانی عابد معرفی کرد و عمامه و نعلین پوشید. طی معاشرت زیاد با روحانیان و ایرانیان، آن‌ها را هوشیار و سرسخت یافت. وی موفق شد نقاط ضعف دو سه طلبه دنیا پرست، جاه طلب و شهوتران را پیدا کند و از همین نقطه داخل شده و آن‌ها را تطمیع و تحریک به مذهب سازی و ادعای جدید (باییت و مهدویت) نماید. با توجه به این که روحانیت بیدار کمر همت به شکست مسلک سازی‌ها می‌بندد و این جریان سازی‌ها دوام و گسترش نمی‌یابد، ولی به سبب جهل و فقر فرهنگی توده‌های مردم، توانست قشری از مردم را به دنبال تحریک شدگان استعمار کشیده و با ایجاد تفرقه و جنگ داخلی مسلمانان و روحانیت اسلام را تضعیف کند. همزمانی رویش مسلک قادیانی «غلام احمد قادیانی» در هند و دایه مهدویت و سپس نبوت و تشابه ماهوی آن با فقه بهائیت، نشانگر سیاست جزم فرقه سازی استعمار و تولید تفرقه در بین امت یکدل اسلامی و از پای در آوردن آن‌هاست.

[۴] خاطرات کنیاز دالگورکی و خطرات مستمر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی حاکی از درست کردن فرقه وهابیت

- توسط انگلیس است، جهت مطالعه بیش تر ر.ک: قصه عجیب استعمار، محمدباقر حسینی، قم، دارالنشر، ۱۳۶۸ (این کتاب ترجمه خاطرات و گزارش‌های همسفر و کنیاز دالگورکی به زبان فارسی می‌باشد).
- [۵] در شناخت حزب قاعدین زمان، ع. باقی، ص ۲۷ لی ۲۹.
- [۶] <http://www.meisami.com/ch۲/anjoman۲۸-۳۴.htm> گفت و گو با طاهر احمدزاده در خصوص انجمن حجتیه.
- [۷] جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰۶.
- [۸] سیاست‌گریزی و ترویج جدایی دین از سیاست، حسن پناهی، روزنامه جمهوری اسلامی ۸ / ۸ / ۹۱.
- [۹] سیاست‌گریزی و ترویج جدایی دین از سیاست، حسن پناهی، روزنامه جمهوری اسلامی ۸ / ۸ / ۹۱.
- [۱۰] جریان‌ها و سازمانهای مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، ص ۱۰۷.
- [۱۱] همان، ص ۳۷۲ و ۳۷۰.
- [۱۲] در شناخت حزب قاعدین زمان، عمادالدین باقی، ص ۳۰.
- [۱۳] بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، روح‌الله حسینیان، ص ۴۶۸.
- [۱۴] آیت‌الله حلبی، چهره نیم قرن تفکر رازآلود مذهبی، عمادالدین باقی، روزنامه جامعه، شماره ۱۰۰، ۸ / ۴ / ۷۷. شیخ حلبی تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد هر روز در برنامه‌های رادیو سخنرانی داشت، این سخنرانی‌ها در کتابی با عنوان «بر کرانه معرفت» به همت سید محمد حسن لواسانی گردآوری شده و توسط بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء به چاپ رسیده است.
- [۱۵] نسلی مایوس از حرکت و انقلاب، مجموعه مقالاتی از نشریه راه مجاهد، انتشارات راه مجاهد، ص ۲۱-۲۰.
- [۱۶] گفت و گو با طاهر احمدزاده در خصوص انجمن حجتیه.
- [۱۷] سند شماره ۱.
- [۱۸] گفت و گو با طاهر احمدزاده در خصوص انجمن حجتیه.
- [۱۹] در شناخت حزب قاعده زمان، ص ۳۱-۲۹.
- [۲۰] همان.
- [۲۱] طاهر احمدزاده یکی از چهره‌های شاخص مبارزات ملت ایران است که در مراحل مختلف مبارزه فعال بود، از مقطع شهریور ۱۳۲۰ به بعد در کانون نشر حقایق اسلامی، تا فعال شدن در نهضت ملی شدن نفت و همچنین جبهه ملی دوم و مبارزات سال‌های ۳۰ تا ۴۲ و پس از آن در جنبش رادیکال سال‌های ۴۲ به بعد همواره در صف مقدم مبارزه بوده است.
- [۲۲] گفت و گو با طاهر احمدزاده.
- [۲۳] ماهیت ضد انقلابی انجمن حجتیه را بشناسیم، جلد اول، ص ۳۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵)(۰۳۱۱)



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

